

قسمت اولی

بکار بردن نشانهای نگارش

نگارش آقای فوادى

در تعقیب مقاله (نشانهای نگارش) که در شماره گذشته بعرض قارئین محترم رسید اینک برای نمونه مواضع استعمال نشانهای نگارش را از روی قواعدیکه با اختلافات جزئی در دنیای متمدن امروز معمول است ذیلاً مذکور میداریم تا بعدها مقامات صلاحیتدار مملکتی در باره لزوم و چگونگی بکار بردن آنها چه تکلیفی برای مانعین فرمایند .

نقطه - در پایان هر جمله (چه ساده و چه مرکب) که مفید معنی تام بوده توقف بعد از آن واجب باشد و بباره آخری دارای آهنگ خاتمه باشد باید نقطه گذاشته شود. از روی نقطه مامی فهمیم که فکر نویسنده در باره يك مطلب تمام شده و رابطه نحوی با فکر بعد ندارد مثال (از مرزبان نامه) :

دستور گفت : شنیدم بزور جمهر (بوزر جمهر) بامداد بخسرو شتافتی و او را گمتی شب خیز باش تا کاه و اباشی . (نقطه) خسرو بحکم آنکه بمعاشرت و معاقرت در سماع اغانی واجتماع غوانی شب گذاشته بودی و باماه و بیکران تا مطلع آفتاب بر ناز باش تنعم سر نهاده از بزور جمهر بسبب این کلمه یاره متاخر و متغیر گشتی و این معنی همچون سرزنشی دانستی . (نقطه) الخ .

ویرگول - در مواضع ذیل استعمال میشود (برای تسمیه آن باید اصطلاحی وضع شود).

اول - هر گاه عطف بیان در جمله بیاید لازم است با ویرگول مجزی شود. مثال : - استاد طوس ، فردوسی ، درسته چهار صد هجری شاهنامه را بپایان رسانید .

دوم - برای جدا کردن منادی در صورتیکه در وسط جمله بیاید. مثال : - وصلت ، صنما ، بهشت دلکش باشد .

سوم - برای جدا کردن کلمات مکرر که برای تأکید و جاندار ساختن مطالب ذکر میشوند. مثال : سیل ، سیل ، آمد و خانه ما را خراب کرد .

یک مثال دیگر : لطف کن ، لطف ، که بیگانه شود حاقه بگوش (بعد از کلمه لطف دوم کلمه کن مقرر است پس لطف دوم هم جمله است و بنابراین جمله مکرر هم با ویرگول جدا میشود).
چهارم - ادوات استثناء بامتعم خود اگر در وسط واقع گردند باید با ویرگول جدا شوند بدیهی است که چون در اول در آیند ویرگول فقط پشت سر آنها گذارده می شود. مثال : همه ، غیر از تو ، بیرون رفتند - این کار را ، بدون اشکال ، انجام دادم - جز هن ، که تواند که پردر همه عالم ؟
پنجم - برای جدا کردن اصوات. مثال : آوخ ، که چه روز گزار بر کشت - خوشا ، مرز ایران - خنک آنکس ، که کوی بیکی برد .

تبره : اگر بعد از اصوات حرف ندا بیاید چون توقف جائز نباشد ویرگول هم ضرورت ندارد مثال :

و یحک ای جاه فریدون و بساط کسروی
چینا ای تخت جمشیدی و گاه خسروی

ششم - قبل از روابط استدراکتی از قبیل «لیکن - اما - با وجود این - با اینهمه» و غیره مثال: صبر تاخ آمد، ولیکن عاقبت میوه شیرین دهد پرمفعت .

هفتم - اگر اعضای جمله غیر از مسند و مسبندیه از يك کلمه بیشتر باشد گاهی برای وضوح قبل از آنها ویرگول درآید. دبروز، موقع باران شدید آمدم .

هشتم - برای جدا کردن حشو (مقصود کلمه ایست که اگر از جمله بیفتد بترکیب آن خلل وارد نکند) مثال: شما، ظاهرآ، از اینکار بی خبرید .

نهم - قبل از جمله تابع ویرگول درآید. مثال: ودایه ابر بهاری را فرمود، تابانات نبات را در مهل زمین پیروراند .

دهم - برای جدا کردن جمله های مستقل (باجمله های کامل) که بدون روابط نحوی بخودی خود ترکیب شده باشند. مثال: بهار آمد، زمین جامه سبز پوشید، هوای خرم روحی تازه در عالم دید . (اگر بین جمله ها «و» ربط بیاید احتیاجی ب ویرگول نخواهد بود) .

یازدهم - برای جدا کردن کلمات همجنس در جمله متحد (بمعبارة اخری برای جدا کردن چند مسند یا چند مسبندیه مکرر) مثال: علی، حسن، احمد، پسران بویه بودند .

دوازدهم - برای جدا کردن جمله های معترضه مثال: دبروز، چنانکه اطلاع میدهند، در همدان بارندگی شدیدی بوده است .

پس ویرگول موقعی گذارده شود که گوینده در سخن اندکی توقف نماید .

نقطه با ویرگول در موارد ذیل استعمال میشود:

اول - برای جدا کردن جمله های مستقل که بخودی خود ترکیب شده دارای حرف ربط نباشند بشرطیکه جمله های مذکور مفصل باشند مثال:

کبوتر گفت: آورده اند، که دزدی بود از وهم تیز گام تر و از خیال شبروتر؛ اگر خواستی نقب در حصار کیسوان زدی و نقاب از رخساره زهره بر بودی؛ از رخنه هر روزنی چون ماهتاب فرو شدی و بشکاف هر دردی چون آفتاب درخزیدی (مرزبان نامه) .

دوم - برای جدا کردن اعضای همجنس در جمله متحد در صورتیکه جمله باشند (در غیر اینصورت ویرگول گذارده شود) مثال: حسن هر روز صبح از خواب بیدار میشود؛ دست و رورا پاکبزه میشود؛ لباس میپوشد و بمدرسه میرود .

سوم - برای جدا کردن جمله های تابع در صورتیکه رابطه آنها نسبتاً ضعیف و خود آنها مفصل باشند مثال: و کیست که بر فضای آسمانی مقاومت یارد بیوست و در این عالم بمنزلتی رسد؛ و از دنیا شرتی بدست او دهند که سرمست و بیبانه نشود (کلیله و دمنه) .

دو نقطه - در موارد ذیل استعمال شود: اول اگر عطف بیان متعدد باشد قبل از آن باید دو نقطه گذارده شود. مثال: خشکی های زمین را بر پنج قطعه تقسیم کردند: آسیا، اروپا، افریقا، امریکا، اقیانوسیه .

دوم - اگر رابطه جمله تعلیلی حذف شده باشد قبل از آن دو نقطه گذارده شود. مثال: آن به که بعد از این سرفراغت برزانوی عزلت نهم و خط بطالت بر صفحه کسب و حرفت کشم: الرزق علی الله تبارک و تعالی .

سوم - قبل از جمله مستقلى كه در صدر آن روابط «زيرا -- چونكه» و امثال آن بيابده مثال:

آن كوى مرا كه دوست دارى تاخاقتورا همان بگويند:
 زيراك بتير ماه جو خورد هر كو بهار جو پرا كند (ناصر خسرو)
 چهارم - اگر در صدر جمله مستقل كلمات « بنا بر اين - پس » و امثال آنها بيابيد ممكن است
 بجاي نقطه يا وير كول دو نقطه بگذاريم. مثال: واين نكته بدان كه مقدر اقوات و مدبر اوقات قوت را
 علت زندگاني كرده است و هر كز مه اول از عات جدا نگردد: پس روشن شده كه زندگاني كس بي قوت
 نتواند بود (مرزبان نامه).

پنجم - قبل از جمله متضاد بشرطى كه رابطه آن با جمله قبل حذف شده باشد. مثال:
 دوست نزديك تر از من بمن است: وين عجب بين كه من ازوى دورم (سعدى).
 ششم - قبل از توضيح كوينده همچنين قبل از استطراد مثال از حافظ «كفتم: غم تو دارم
 كفتا: غمت سرايد».

تبصره - در صورتيكه در اين قبيل مواقع (كه) حرف ربط بيابيد بجاي دو نقطه و وير كول در آيد
 مثال: كفتم، كه فراق را نبينم ديدم.

نشان پرسش (علامت استفهام) - بعد از جمله استفهامى در آيد. مثال: نيينى تو اين آتش
 تيز من؟! - صلاح كار كجا و من خراب كجا؟.

نشان ندا و خطاب در موارد ذيل استعمال شود:

اول - بعد از تعجب. مثل: وين عجب بين كه من ازوى دورم! چگونه دريا! كانرا
 كرانه پيدا نيست.

دوم - بعد از ندائى كه با تاثير بيان شود. مثال: همى ندانى، اى آفتاب غاليه موى! كه جال
 بنده از اين پيش بر چه سامان بود (رودكى).

تبصره - علامت استفهام و ندا بر حسب اقتضا مفيد مفهوم نقطه - و وير كول - نقطه يا
 و وير كول نيز مى باشند.

نقطه هاى متعدد را غالبا بواسطه سه نقطه متناوب قيد ميكند و براى موارد ذيل
 استعمال مى نمايند:

اول براى كلام قطع نشده و ناتمام. مثال: يكمرتبه ديدم كه برادرم... (بدبهي است كه
 در اين موارد بايد قرينه باشد) - از غايت يرشاني واستيصال دست بدعا برداشت كه...
 دوم - براى اظهار تاثير شديد كه كوينده بعد از ادائى هر كلمه با جمله توقف ميكند. مثال:
 خدايا... پروردكارا... بفريام برس.

خط اتصال در موارد ذيل استعمال شود:

اول - هر جا كه كلمه با قرينه حذف شود مثال: دست در كاسه - ومشت بر يرشاني.

دوم - براى نمايش حالت ناگهاني كه ممكن است آنرا علامت فجائيه بناميم. مثال: درين

گردش - يكدمه ديدم كه... .

سوم - گاهى بجاي و وير كول براى جدا كردن اعضاى جمله متحد بكار رود. مثال: تملق -

غيبت - تقلب از بدترين صفات است.

چهارم - برای جدا کردن مکالمه دو نفری که توضیح گوینده مانند «گفت» و غیره نیامده باشد مثال: گفت چرا دیر آمدید؟ کفتم عذر من موجه است. چه عذری دارید؟ - مریض بودم! بسیار خوب از تقصیر شما صرف نظر میشود - خیلی متشکرم .

پنجم - گاهی جمله معترضه را با آن جدا میکنند. مثال: گریخندم - و آن پس از عمری است - گوید زهر خند .

ششم - گاهی هم بجای رابطه مخدوف میشود: دیدم - گریه میکند .

هفتم - گاهی هم قبل از جمله تابعیکه مفصل باشد بجای و بر گول در آید. مثال: و کیست - که بر فضای آسمانی مقاومت یار دیپوست الخ .

یک مثال دیگر: همه عالم خوابند - چشم من بیدار است .

هشتم - وقتی که کلمه مکرر بواسطه عبارت یا جمله مفصل از نظیر خود دور افتاده باشد مثال:

دوستی داشتم مهربان و غمخوار انیس هم و غم - دوستی که از برادر نزدیکتر بود .

قوس برای اهمیت حشو یا جمله معترضه بکار رود مثال: وی (که پایش شکسته باد)

برفت یک مثال دیگر منم (گفت) شیراوزن تاج بخش .

نشان تجزیه برای موارد ذیل بکار رود:

اول - برای جدا کردن استطراد. مثال: گفت «آب از کدام جویستش»

دوم - برای جدا کردن اسامی تالیفات و جلات و جرائد مثال: امروز نامه «ایران» میخواندم

سعدی در «بوستان» فرماید.

سوم - برای جدا کردن کلمات اجنبی و غیر مانوس بکار رود. مثال: در عهد فرخنده بهاوی

اصول «کابیتولاسیون» مافی شد .

چهارم - گاهی هم در مواردی بکار رود. مثال: رفیق من «شیری» است ترسو و بزدل.

در خانه معروف میدارد که وجه تسمیه این نشان ها و چگونگی بکار بردن آنها در خط فارسی

مورد بحث و تعمق است که چون زمان آن هنوز نرسیده است نگارنده نیز مورد بحث و انتقاد قرار

نداد و چنانکه در صدر مقاله عرض شد تمام این مراتب وابسته بنظریات مقامات صلاحیتدار مملکتی است .

موزه‌های عمومی

دول متحده آمریکا در سال ۱۹۳۰ دارای ۱۶۶ بنای موزه عمومی بوده که تشکیل ۷۸۱ وزه داده‌اند و خرج ساختمان آنها ۱۰۳،۱۸۱،۰۰۰ دلار شده و عایدات سالیانه همگی بالغ بر ۱۶،۳۳۱،۰۰۰ دلار بوده است .

از این تعداد ۱۶۷ موزه راجع است با موزنایع ظرفیه، ۱۲۵ موزه به علوم، ۴۱۵ موزه بنا ریخ،

۲۴ موزه به مسائل صنعتی، ۲۵ موزه به مسائل متفرقه. مخارج بنای موزه صنایع ظرفیه بتنهائی بالغ بر ۵۱،۹۶۹،۰۰۰

دلار بوده و عایدات آن به ۷،۳۹۴،۰۰۰ دلار رسیده .